

حق تأمین اجتماعی در اسناد حقوق بشر (جهانی و منطقه‌ای) و سازمان بین‌المللی کار با نگاهی به عملکرد برخی از کشورهای اسلامی

سید مجتبی حسینی الموسوی

کارشناسی ارشد فقه و حقوق عمومی از دانشگاه مذاهب اسلامی

چکیده

حق تأمین اجتماعی از جمله حقوقی است که در دو سند مهم و مادر حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده است. اختصاص ماده جداگانه به حق تأمین اجتماعی در این دو سند جهانی، حاوی اهمیت این حق از منظر تدوین‌کنندگان و عرف بین‌الملل می‌باشد. با وجودی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر همکاری بین‌المللی برای تحقق آن بسیار تأکید شده است، اما متأسفانه در سطح بین‌الملل هنوز اقدامی که شایسته و درخور توجه باشد، صورت نگرفته است. باید دلیل این کم‌اقتبالی را ناشی از مسائل اقتصادی که پیرامون این حق وجود دارد، عنوان کرد. عدم استقبال از حق تأمین اجتماعی در اسناد حقوق بشر منطقه‌ای هم به چشم می‌خورد. در این اسناد هم به هیچ وجه از واژه تأمین اجتماعی به طور مستقل استفاده نکرده و فقط برخی مفاد مقابله‌نامه مشهور سازمان بین‌المللی کار در مورد تأمین اجتماعی کلی‌گویی شده است. البته در برخی از پروتکل‌هایی که با موضوع خاص از طرف سازمان‌های منطقه‌ای تدوین شده‌اند، از حق تأمین اجتماعی صحبت شده است که به هیچ وجه نمی‌توانند قانع‌کننده باشند. اگر سازمان‌های منطقه‌ای در عزم خود بر اجرای تأمین اجتماعی به مثابه یک حق بشری استوار بودند، باید در متن اصلی و مادر به این حق اشاره می‌کردند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ حق تأمین اجتماعی؛ اسناد حقوق بشر (جهانی، منطقه‌ای)؛ سازمان بین‌المللی کار.

مقدمه

الف) مفهوم تأمین اجتماعی

واژه تأمین اجتماعی اغلب مترادف با بعضی از واژه‌ها، نظیر: رفاه اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی و ... به کار می‌رود و در برخی موارد، با معانی واژه‌هایی نظیر: کمک اجتماعی «مدد معاش خانواده»، معاونت متقابل و ... تداخل می‌یابد. به منظور ارائه تعریفی نسبتاً

جامع از تأمین اجتماعی، ناچار هستیم برای نیل به هدف، این واژه را از زمان پیدایش آن یعنی قانون سال ۱۹۳۵ آمریکا بررسی کنیم (پناهی، ۱۳۸۵: ۵).

بر اساس این قانون، تأمین اجتماعی عبارت از «حمایتی است از اقشار مختلف جامعه - که بر اثر بحران‌های اقتصادی و ... وضعیت آنها دگرگون شده - در برابر خطرهای اجتماعی نظیر: بیکاری، مرگ سرپرست خانواده، پیری و ازکارافتادگی، آن هم از طریق کمک‌های اجتماعی و نیز بیمه‌های اجتماعی» (عراقی، ۱۳۸۶: ۲).

این قانون از جهاتی خاص و از جهاتی عام است، اما آنچه که ذهن مصلحان اجتماعی را به خود مشغول می‌داشت؛ کنترل و رفع آثار منفی همه خطرهای اجتماعی بود و تنها ذکر شدن چهار خطر برای آنان نمی‌توانست قانع کننده باشد؛ چون هدف تأمین اجتماعی ایجاد امنیت خاطر و آرامش روحی و روانی فرد بود، به همین دلیل در مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار که در چهارم ژوئن ۱۹۵۲ به تصویب رسید؛ سعی شد همه خطرها را پوشش یابد: «حمایتی که از طریق مجموعه‌ای از اقدامات همگانی، برای مقابله با پریشانی اقتصادی و اجتماعی، توسط جامعه، برای اعضای خود تدارک می‌شود؛ که در غیر این صورت پریشانی اقتصادی و اجتماعی به واسطه قطع یا کاهش چشمگیر درآمد، بر اثر بیماری، بارداری، حادثه ناشی از کار، بیکاری، از کار افتادگی، سالمندی و مرگ پدیدار می‌گردد؛ ارائه مراقبت پزشکی و پیش‌بینی کمک هزینه برای خانواده‌های دارای کودک» (نوروز، ۱۳۷۳: ۱۸).

با توجه به تعاریفی که از تأمین اجتماعی شده است؛ درمی‌یابیم که این اصطلاح دارای دو مفهوم است:
 ۱- عام: تأمین نیازهای مادی و معنوی اعضای جامعه؛ ۲- خاص: سهم بودن همگان در مزایای اقتصادی جامعه (آراسته خو، ۱۳۸۵: ۳). با وجود تعاریفی که از مفهوم تأمین اجتماعی شده، سازمان بین‌المللی کار، در سال ۱۹۴۹ اذعان کرد: هنوز تعریف مشخص و خاصی از تأمین اجتماعی وجود ندارد؛ دلیل این امر هم عدم رشد و توسعه موازی جوامع بشری می‌داند و حال آنکه تأمین اجتماعی و اصطلاحات نزدیک به آن مانند خدمات اجتماعی، رفاه اجتماعی - به صورت‌های مختلف - تعریف و تعبیر شده‌اند؛ به طوریکه گاهی منطبق‌اند؛ گاهی متداخل‌اند و زمانی در طول هم و گاه در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند (طالب، ۱۳۶۸: ۳۷).

۱- بررسی حق تأمین اجتماعی در اسناد جهانی

در مورد نسل دوم حقوق بشر یا حقوق مطالبه‌ای و قبول آن به عنوان حق طبیعی انسان در اسناد حقوقی بشر باید متذکر گردید که نیازهای انسان در سطح جامعه بسیار فراوان است به ترتیبی که هیچ کس قادر نیست به تنهایی آنها را برآورده کند. تأمین پاره‌ای از نیازها فراتر از امکانات ناشی از مبادله استعدادها بوده و نیازمند نهادهای توانمند اجتماعی است که حکومت در مقام مسئول و متصدی این نهادها، این گونه نیازها را برآورده می‌کند. استحقاق افراد به تأمین این نیازها اصطلاحاً حق - مطالبات نامیده می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳). از آن جایکه انسان معاصر طالب امنیت مادی بشری است و با توجه به گستردگی جوامع و پیچیدگی تصمیمات اقتصادی و سیاسی، حضور فعال‌تری از مجموعه نهادهای جامعه و خصوصاً دولت در ارائه خدمات گوناگون، رفاه مادی و امنیت اجتماعی انتظار می‌رود. انسان عضو جامعه امروز، حق خود می‌داند که از جامعه حقوقی، خواستار تأمین اجتماعی، بیمه و ... شود. محدودیت بیش از حد دولت‌ها در حقوق مطالبه‌ای و عدم توانایی آنها در ایجاد حداقل فضای معیشتی، خود عاملی برای سلب حقوق و آزادی فردی تلقی می‌گردد؛ به عبارت دیگر این نسل از حقوق با دموکراسی و انتخاب صحیح حاکم، نقش مؤثر و کلیدی پیدا می‌کند چون جامعه‌ای که افراد در آن از شدت فقر کمرشان خم شده، بی‌تردید نمی‌تواند حاکم درست و شایسته‌ای انتخاب کنند. حال با توجه به مطالب فوق به بررسی حق تأمین اجتماعی در اسناد می‌پردازیم (چریگو، ۱۳۸۶: ۲۴) می‌توان گفت که محققان علوم اجتماعی، بر این باور هستند که تعریف جامعی از تأمین اجتماعی وجود ندارد؛ از طرف دیگر، با علم به اینکه حقوق موجود در اسناد حقوق بشر، عام و فراگیر است؛ پس یافتن تعریف واژه تأمین اجتماعی در اسناد ممکن نیست؛ اما باید بررسی شود که اسناد حقوق بشر بیشتر بر کدام مفهوم تأمین اجتماعی تأکید کرده‌اند. در ابتدا از سند مادر و غیر الزامی؛ یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر شروع می‌کنیم.

۱-۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر

این سند در دو ماده ۲۲ و ۲۵ در مورد تأمین اجتماعی سخن گفته است. در ماده ۲۲ آورده است که این حق به کسی تعلق می‌گیرد که عضوی از جامعه باشد. اما این عبارت ماده ۲۲ این

سؤال را در ذهن تداعی می‌کند که مگر دیگر حق‌ها به واسطه انسان به مثابه انسان بودن به او تعلق نمی‌گیرد؟ به این پرسش این گونه پاسخ داده شده است که حق‌های منفی ریشه در انسانیت دارند و نیازی نیست که فرد محق عضوی از جامعه باشد اما در تأمین اجتماعی بدین شکل نیست، فرد تحت پوشش حتماً باید اعضای از جامعه باشد، این مطلب را به وضوح می‌توان در قوانین تأمین اجتماعی کشورهای عضو به مشاهده نمود. نکته دیگری که این سند را با دیگر اسناد مرتبط در زمینه تأمین اجتماعی متمایز می‌کند عبارت همکاری بین‌المللی می‌باشد. در این راستا تأمین اجتماعی تنها موضوع داخلی هر کشوری قلمداد نمی‌شود؛ بلکه خواستار هم‌یاری جامعه بین‌الملل برای تضمین و توسعه این حق است و در آخر ماده ۲۲ دوباره بر این نکته تأکید می‌کند که سرنوشت حقوق مدنی و سیاسی با حقوق اقتصادی و اجتماعی پیوند ناگسستنی دارد، در صورتی که به حقوق رفاهی که یکی از موارد آن تأمین اجتماعی است جامه عمل پوشانده نشود، افراد از شدت گرسنگی یا مشکلات دیگر به راحتی حیثیت و کرامت انسانی خود را نادیده خواهند گرفت (قاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶۶).

ماده ۲۵ هر چند که ماده مختلط از حقوق رفاهی است اما آخر آن به حق تأمین اجتماعی مربوط می‌شود، که در آن برخی از مواردی که سازمان بین‌المللی کار جهت تحت پوشش قرار گرفتن افراد در حمایت تأمین اجتماعی برشمرده، ذکر شده است؛ مانند: پیری، بیکاری و ... از ماده ۲۵ استنباط می‌شود که منظور اعلامیه جهانی از تأمین اجتماعی، مفهوم خاص آن است نه عام و بیشتر بر بهره‌مندی اعضای جامعه از مزایای اقتصادی در هنگام بروز مشکلات تأکید دارد (عراقی، ۱۳۸۶: ۴).

۲-۱) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این سند به دلیل وجه التزامی‌اش مهم‌ترین سند در زمینه حق تأمین اجتماعی است و متأسفانه میثاق آن طور که باید این حق را تضمین نمی‌کند. اگر به مذاکراتی که پیرامون تصویب ماده ۹ این سند مراجعه شود، خواهید فهمید که دول توسعه‌یافته، خصوصاً دول غربی، سعی بر این داشتند که در مقوله تأمین اجتماعی به کلی‌گویی بپردازند و اگر تمایلات سوسیالیستی شوروی سابق و اصرار آن کشور به افزودن واژه بیمه اجتماعی بر این ماده نبود، بی‌تردید این ماده جز کلی‌گویی که نیازمند تفاسیر مختلفی بود، چیز دیگری نداشت.

در این زمینه آیه ریدل نوشته است: «این را می‌توان با کوتاه بودن ماده اشاره شده، توضیح داد. این ماده در میثاق از همه کوتاه‌تر بوده و به زبان بسیار انتزاعی و مبهم تنظیم شده است. در نتیجه، اعضای کمیته زمان زیادی را صرف روشن ساختن معنای آن حق نکردند و به جای آن، تلاش‌های خود را بر حقوق دیگری متمرکز ساختند» (آیه ریدل، ۱۳۸۹: ۴۹).

مشکل دیگر بر سر راه تفسیر ماده ۹ این است که کشورهای کمی وجود دارند که در زمینه تأمین اجتماعی متخصص هستند. در ماده ۹ برخلاف ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر واژه مهم و کلیدی همیاری بین‌المللی حذف شده و همین امر باعث شده که حق تأمین اجتماعی از همکاری‌های بین‌المللی در جهت توسعه (حق تأمین اجتماعی) محروم شود. البته عدم ذکر این واژه کلیدی را نباید به تصور تدوین کنندگان میثاق ربط داد؛ بلکه باید به عدم حمایت کشورهای توسعه یافته از کشورهای فقیر مرتبط دانست که در این زمینه، محمد قاری سید فاطمی معتقد است: «روشن است که کشورهای توسعه یافته که نقش اصلی و محوری در تدوین پیش نویس اولیه و تصویب نهایی این سند محوری رفاهی داشتند، باهوش‌تر از آن بوده‌اند که الزامات حقوقی در کمک به کشورهای فقیر را بر اقتصاد ثروتمند خود تحمیل کنند. اساساً تاریخ نیم قرن گذشته به خوبی نشانگر آن است که کشورهای توسعه یافته هرگز به طوری جدی در پی حل مشکل بین‌المللی فقر و کاستن از عمق شکاف بین کشورهای فقیر و غنی نبوده‌اند» (قاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۱۵).

تنها در تفسیر عمومی ۶ میثاق توصیه می‌کند که سن بازنشستگی با توجه با اوضاع و احوال کار صورت پذیرد. بعد از ماده ۹ در ماده ۱۱ هم می‌توان مفهومی از تأمین اجتماعی را به معنای اخص یافت، در این ماده از دولت‌های عضو خواسته شده که حداقل اسباب معیشت همچون غذا، پوشاک و مسکن برای اتباع خود مهیا کنند.

۳-۱) سند حقوق بشر اسلامی

حق تأمین اجتماعی در ماده هفدهم و در بخش «ب» و «ج» این ماده ذکر شده است. در این سند نیز همانند میثاق از دولت‌های اسلامی خواسته شده است که نیازهای اجتماعی و بهداشتی اتباع خود را زمینه سازی کنند. در سند حقوق بشر اسلامی از بیمه‌های اجتماعی به عنوان مصداق واقعی

تأمین اجتماعی در دنیای معاصر سخنی به میان نیاورده است، بلکه تنها به یک عبارت کلی نیازهای اجتماعی اکتفا شده است که به طور جدی نیازمند تفسیر است تا مفهوم اصلی این واژه به درستی تبیین شود؛ عدم ذکر بیمه‌های اجتماعی با توجه به شرعی بودن آن بر طبق نظر مجمع فقهی جده جای سوال دارد، قسمت «ج» ماده هفدهم به طور کامل از میثاق اقتباس شده و هیچ نوآوری یا پیشنهاد سازنده‌ای در آن دیده نمی‌شود. از ماده هفدهم استنباط می‌شود که هدف تدوین کنندگان این سند از تأمین اجتماعی مفهوم خاص نبوده است.

۴-۱) پیمان‌نامه حمایت از کارگران و اعضای خانوادشان

این پیمان‌نامه در ماده بیست و هفت خود از کشورهای عضو می‌خواهد که حق تأمین اجتماعی را برای کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان، همانند اتباع داخلی خود، به رسمیت بشناسند. در بند دوم این پیمان‌نامه ذکر می‌کند که اگر قوانین کشوری اجازه نمی‌دهد که کارگران مهاجر و خانوادهايشان از مزایای تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند، حداقل مزایای بهداشتی ابتدائی را برای آنان تهیه نماید.^۱ در این پیمان‌نامه خواستار اجرای حق تأمین اجتماعی برای کارگران مهاجر قانونی می‌باشد اما در لوای آن این سؤال پیش می‌آید که آیا دولت‌های عضو، این تعهد را در قبال کارگران غیرقانونی که بدان کشور مهاجرت کرده‌اند هم دارند؟ اگر جواب این سؤال را بخواهیم از منظر فلسفه لیبرال که مظهر دولت‌های فعلی اروپایی هستند بدهیم جواب مثبت است؛ چرا که زندگی هر فردی ارزشمند است و او هنگامی می‌تواند به این ارزشمندی برسد که از اصول و پایه زندگی برخوردار باشد؛ اما این اصول به تنهایی نمی‌توانند دولت‌ها را ملزم کنند که همان وظایفی که در قبال کارگران قانونی انجام می‌دهند را متعهد شوند، چون این حمایت نیازمند بودجه اضافی است، هر چند که در اسناد حقوق بشر، به طور خاص اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ تمایزی بین این دو قشر نگذاشته است و خواستار اجرای حقوق برابر می‌باشد اما این موضوع بیشتر شبیه توصیه است تا التزام و آنچه که بیش از همه اهمیت دارد نگرانی اخلاقی دولت‌ها در زمینه کارگران غیرمهاجر است. (Jennifer, 2005: 325-332) مدعای دلیل ما وجود ماده سی و چهارم در منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، سال ۲۰۰۸ می‌باشد که حق تأمین اجتماعی فقط برای کارگران مهاجر قانونی به رسمیت شناخته است (Paul, 2009: 596).

۵-۱) بررسی اسناد سازمان بین‌المللی کار (مقاله‌نامه) در مورد حق تأمین اجتماعی

سازمان بین‌المللی کار یکی از سازمان‌های تخصصی در عرصه بین‌الملل است که وظیفه آن تلاش در جهت بهبودی وضعیت کارگران در سراسر گیتی می‌باشد. این سازمان برای نیل به هدف خود اقدام به تصویب برخی از اسناد (مقاله‌نامه) در موضوعات خاص نموده است که راهنمایی کشورهای عضو در راستای فراهم کردن شرایط معتدل و خوب زندگی برای کارگران باشد. در این قسمت سعی خواهد شد برخی از مقاله‌نامه‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم مربوط به حق تأمین اجتماعی است به بحث گذارده شود، اما قبل از شروع بحث باید خاطر نشان کنم که این اسناد از جنبه الزام‌آوری کمی نسبت به دیگر اسناد بین‌المللی برخوردار هستند، شاهد مثال این موضوع، این بند در برخی از مقاله‌نامه می‌باشد که به کشورهای عضو این اجازه را می‌دهد که بعد از ده سال مبادرت به فسخ این مقاله‌نامه بنمایند^۲. با این مقدمه به بررسی برخی از اسناد می‌پردازیم:

مقاله‌نامه شماره ۱۱۸ با عنوان رعایت برابری در تأمین اجتماعی (مربوط به رعایت برابری با اتباع کشور و اتباع بیگانه)

در ماده سوم این مقاله‌نامه خواستار رعایت برابری در مواردی از تأمین اجتماعی شده است که کشورهای عضو آن را به صورت قوانین برای اتباع خود به رسمیت می‌شناسد که شامل بیمه و حق مزایا است. در ماده چهار، رفتار برابر در قبال تأمین اجتماعی منوط به سکونت نشده است. در ماده ششم، ارائه خدمات حمایتی به خانواده، اتباع بیگانه را منوط به این کرده است که آن کشور (اتباع بیگانه) هم این سند را امضا کرده باشد. در ماده ده اعلام می‌کند برابری در رعایت حق تأمین اجتماعی بدون هیچ قیدی باید برای افراد پناه‌جو و بی‌تابعیت به اجرا در بیاید علاوه بر آن، کارمندان شهری و قربانیان جنگ را از این مقاله‌نامه مستثنی کرده است.^۳

مقاله‌نامه شماره ۱۶۸ با عنوان ارتقای اشتغال و حمایت از بیکاری

در این مقاله از کشورهای عضو می‌خواهد که حق تأمین اجتماعی را برای افرادی که کار خود را از دست می‌دهند به رسمیت بشناسد و این موضوع شامل کسانی که کار پاره وقت انجام می‌دهند هم می‌شود. این سند از کشورهای عضو می‌خواهد که حمایت در برابر بیکاری را بدون هیچ تبعیضی از نظر نژادی، رنگ، جنس و مذهب به اجرا درآورد.^۴

مقاله‌نامه شماره ۹۷ با عنوان مهاجرت برای کار (اشتغال)

این مقاله‌نامه از کشورهای عضو می‌خواهد، برای کارگرانی که به طور قانونی به دیگر کشورها به منظور کار، مهاجرت می‌کنند؛ همانند اتباع خود برای آنان حق تأمین اجتماعی قائل شود. موارد تحت پوشش همان مواردی است که در مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ ذکر شده است.^۵

مقاله‌نامه شماره ۱۸۹ با عنوان کارگران خانگی

در این مقاله‌نامه از کشورهای عضو خواسته شده است که با توجه به قوانین و مقررات ملی همانند دیگران کارگران برای کارگران خانگی هم حق تأمین اجتماعی قائل بشود؛ این مقاله حق بر حمایت از مادری هم شامل می‌شود. سازمان بین‌المللی کار تنها اکتفا به این مورد نکرده است و برای برخی از کارگران در مشاغل خاص، مقاله تصویب نموده است و خواهان رعایت تأمین اجتماعی نیز برای آنان شده است که برای نمونه می‌توان از مقاله‌نامه شماره ۱۷۷ و ۱۸۴ نام برد.^۶

توصیه نامه سازمان بین‌المللی کار در مورد ویروس ایدز

امروزه یکی از بیماری‌های که جان هزاران نفر را هر ساله در جهان می‌گیرد بیماری ایدز می‌باشد. از این رو سازمان بین‌المللی کار با انتشار یک توصیه‌نامه در سال ۲۰۱۰ از کشورهای عضو خواست کارگرانی را که به این بیماری مبتلا هستند، تحت پوشش درمانی و تأمین اجتماعی قرار بگیرند، علاوه بر آن از کشورهای عضو خواسته شده است در مورد این بیماری اطلاع‌رسانی کافی به عمل آورده شود تا نتایج زیان بار آن برای قشر کارگر به حداقل برسد. سازمان بین‌المللی کار از کشورهای عضو می‌خواهد کارگر مبتلا به ایدز و وابستگان آن‌را به طور مجانی یا با هزینه کم تحت مراقبت‌های درمانی قرار بدهد.^۷ آنچه که در رابطه با حق سلامت بسیار مهم است تأکید بر اجرای این حق بدون تبغیض بین همه اتباع است یعنی باید همه اتباع به راحتی به امکانات بهداشتی دسترسی پیدا کنند در غیر این صورت دولت‌ها متهم به نقض حق سلامت خواهند شد. سازمان بین‌المللی کار تنها به تصویب مقاله و توصیه‌نامه در جهت ارتقای حق تأمین اجتماعی بسنده نکرده است بلکه در سال ۱۹۹۰ تقویت تأمین اجتماعی را به عنوان یکی

از راهکارهای چهار گانه کار مفید، در دستور کار خود قرار داد؛ که هدف از آن مهیا کردن کار مؤثر برای همه زنان و مردان تحت شرایط آزادی، امنیت، تساوی و حفظ شأن انسانی بود. نیاز روزافزون به تأمین اجتماعی در موقعیت ناپایدار اقتصادی و فشار فعالیت‌ها بر داشتن یک نظام تأمین اجتماعی سبب شد که کمیته کار مفید بر ضروری بودن گسترش تأمین اجتماعی و فعالیت‌های دولت در رابطه با طبقه کارگر و سیاست‌های اشتغال تأکید برورد. این دغدغه سبب شد این سازمان در سال ۲۰۰۸ در اعلامیه‌ای به نام عدالت اجتماعی برای یک جهان عادلانه، خواستار تأمین اجتماعی برای همه باشد البته در سال ۲۰۰۱ هم دوباره بر این نکته تأکید کرده بود که تأمین اجتماعی یک حق انسانی است.^۸

کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ موافقت خود را مبنی بر سیستم جدید گزارش‌دهی اعلام کردند. بر مبنای این سیستم دولت‌ها موظف می‌شوند که هر دو سال برای مقاله‌نامه‌های مهم و اساسی و دیگر مقاله‌نامه هر پنج سال گزارش تهیه نمایند. جزئیات گزارش‌های ارائه شده باید مورد تأیید دولت‌های عضو در هر مقاله‌نامه باشد و علاوه بر آن حاوی اطلاعاتی باشد در مورد اجرای بندهای مقاله‌نامه. این اطلاعات باید به گونه‌ای باشد که اعضای نظارت را بر راست‌آزمایی اجرای این مقاله از سوی دولت قادر سازد. از منظر سازمان بین‌المللی کار، گزارش باید حاوی این ویژگی‌ها باشد: (۱) قوانین، مقررات و محدودیت‌ها؛ (۲) اطلاعاتی در مورد اجرایی کردن مقاله‌نامه؛ (۳) پروسه تبدیل شدن مفاد مقاله‌نامه به قوانین داخلی کشور عضو؛ (۴) پاسخ‌گویی به نظرات تخصصی از سوی سازمان؛ (۵) کمک‌های فنی.^۹ علاوه بر سیستم گزارش‌دهی، کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار می‌توانند از دیگر کشورهای عضو که پیمان‌نامه‌های سازمان را امضا کرده‌اند اما بدان متعهد نیستند، شکایت کنند؛ در این صورت کمیته تحقیق به شکایت مزبور رسیدگی خواهد کرد. در برخی مواقع کشور شاکی ممکن است یافته‌های کمیته تحقیق را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد (Ian, 1998: 573).

سازمان بین‌المللی کار در گزارش سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که هنوز شاخص دقیقی برای سنجش تأمین اجتماعی وجود ندارد ولی در اکثر مواقع با این دو معیار این موضوع را می‌سنجند: (۱) درآمد ضروری؛ (۲) دسترسی بر مراقبت‌های پزشکی. برخی مواقع، معیارهای دیگر همچون سن

مستمندی را معیار قرار می‌دهند. امروزه بیشترین شمول تأمین اجتماعی مربوط است به مراقبت‌های پزشکی که وابستگی شدیدی به منابع مالی دارد از این رو مشاهده می‌شود که بین کشورهای غنی و فقیر در پوشش بهداشتی اختلاف زیادی وجود دارد به طوری که کشورهای فقیر ۲۹ دلار و کشورهای ثروتمند ۲۳۴۲ برای این امر اختصاص می‌دهند. در این میان کشورهای متوسط ۱۶۹ دلار برای امر درمان می‌پردازند که این بودجه را اکثراً از مالیات‌های عمومی به دست می‌آورند اما در کشورهای اروپایی که در سطح بالا قرار دارند، هزینه درمان در بین بیمه اجتماعی و بودجه عمومی تقسیم می‌شود.^{۱۰}

با وجود تلاش مستمر سازمان بین‌المللی کار، متأسفانه هنوز بسیاری از کشورها، مهمترین مقاله‌نامه این سازمان یعنی مقاله شماره ۱۰۲ در مورد استانداردهای حداقل تأمین اجتماعی را به تصویب نرسانده‌اند که در میان آنها برخی از کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا به چشم می‌خورد. در بین کشورهای اسلامی تنها دو کشور ترکیه و لیبی می‌باشند که مبادرت به تصویب این مقاله‌نامه نموده و گام عملی در راستای برآورد شدن این حق برداشته‌اند.^{۱۱} متأسفانه جمهوری اسلامی ایران با وجود تصریح حق تأمین اجتماعی در اصل نوزدهم قانون اساسی تا کنون این مقاله‌نامه را امضا نکرده و گام عملی در مورد احقاق حق تأمین اجتماعی در عرصه بین‌المللی بر نداشته است. جمهوری اسلامی تاکنون سیزده مقاله‌نامه را پذیرفته و هیچ‌کدام از آنها خارج نشده و از حق شرط هم استفاده نکرده: مقاله‌نامه شماره ۱۴، استراحت هفتگی (صنعتی)؛ مقاله شماره ۱۹، رفتار برابر (جبران حادثه)؛ مقاله شماره ۲۹، کار اجباری؛ مقاله‌نامه شماره ۹۵، حمایت از دستمزد؛ مقاله‌نامه شماره ۱۰۰، تساوی حقوق (پاداش)؛ مقاله‌نامه شماره ۱۰۴، لغو مجازات رسمی (کارگران بومی)؛ مقاله‌نامه شماره ۱۰۵، لغو کار اجباری؛ مقاله‌نامه شماره ۱۰۶، استراحت هفتگی (بازرگانی و اداری)؛ مقاله‌نامه شماره ۱۰۸، همانندی پرونده دریاوردان؛ مقاله‌نامه شماره ۱۱۱، تبعیض (اشتغال و حرفه)؛ مقاله‌نامه شماره ۱۲۲، سیاست اشتغال؛ مقاله‌نامه شماره ۱۴۲، توسعه منابع انسانی؛ مقاله‌نامه شماره ۱۸۲، بدترین شکل کار کودکان^{۱۲}. جمهوری اسلامی ایران، بعد از انقلاب و در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷، دو مقاله‌نامه به شماره ۱۴۲ و ۱۸۲ را پذیرفت و دیگر مقاله‌نامه‌ها قبل از انقلاب مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

۶-۱) گزارش کمیسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد حق تأمین اجتماعی
کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۲۰۰۷ میلادی گزارشی در مورد حق
تأمین اجتماعی بر اساس ماده نه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه داد
که حاوی نکات مهمی در مورد اجرای این حق در پیش روی دولت‌های عضو گذاشته است.
کمیته اقتصادی اعلام می‌کند که حق تأمین اجتماعی یک حق اساسی می‌باشد نه یک حق
اختیاری، از این رو نباید گسترش این حق را منوط به شرایط اقتصادی و سیاست‌های مالی کرد.
کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد که تأمین اجتماعی را بر اساس مقاله‌نامه شماره ۱۰۲
سازمان بین‌المللی کار تنظیم کنند و برای هر یک از افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی
دستورالعمل‌های مختصری را داده است. کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد مراقبت‌های بهداشتی
به گونه‌ای باشد که همه افراد بتوانند بدان دسترسی داشته باشند. علاوه بر آن، این نهاد پیش‌بینی
می‌کند که این خدمت به سوی خصوصی‌سازی پیش می‌رود و باید کمترین هزینه بابت خدمات
بهداشتی از مردم گرفته شود. کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد که شرایط را برای عدم پیشگیری
از بیماری‌های خاص همچون ایدز و مالاریا و ... مهیا کنند. کمیته از کشورهای عضو در خواست
می‌کند که افراد بیماری که به علت بیماری نمی‌توانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند؛ تحت
پوشش قرار دهد. علاوه بر آن پیشنهاد می‌کند که اگر بیماری فرد، مدت طولانی ادامه داشت؛ فرد
بیمار را تحت چتر حمایتی قرار بدهد. یکی دیگر از مواردی که در حداقل استانداردهای تأمین
اجتماعی آمده، موضوع سن پیری می‌باشد؛ از این رو کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد با تدوین
قوانین ملی به این امر، جامع عمل بپوشانند. مضاف بر این، خواهان تعیین سن بازنشستگی برای
افراد سالمند می‌باشد و کمیته به شدت از اعضا می‌خواهد که هیچ تبعیضی بین زن و مرد قائل
نشوند. این تأکید از این بابت است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته هنوز زنان بیست و
پنج درصد کمتر از مردان در شرایط کار مساوی حقوق دریافت می‌کنند^{۱۳}. سازمان بین‌المللی کار
تبعیض را به دو دسته تقسیم کرده است: ۱) تبعیض مستقیم: این تبعیض عمدتاً به وسیله قانون
اعمال می‌شود و افراد به واسطه قانون از داشتن مزایای مساوی به مانند دیگر همکاران خود محروم
هستند؛ ۲) تبعیض غیر مستقیم: قانون خاصی برای این امر وجود ندارد اما برخی از قواعد خنثی

شرایط را برای عدم برابری و تبعیض مهیا می‌کند.^{۱۴}

هدف از تصریح سن بازنشستگی به این منظور است که افراد پیر مبادرت به کارهای خطرناکی که به سلامتی آنان آسیب می‌زند، ننمایند. یکی از وظایف دولت‌ها، آماده‌سازی بستر اشتغال برای افراد جامعه می‌باشد؛ با توجه به این وظیفه، کمیته اقتصادی از کشورها می‌خواهد کار مؤثر برای اتباع خود فراهم کند و در صورت از دست دادن شغل خود، آنان را مورد حمایت قرار بدهد.

کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد که مزایای دوره بیکاری تنها شامل کارگران تمام وقت نشود و کارگران پاره وقت، خانگی و کارگرانی که در فعالیت غیر رسمی هم هستند، پوشش بدهد. کارگران همواره با خطراتی در حین کار مواجه هستند که ممکن است سلامتی آنان را به خطر بیندازد و منجر به مجروح شدن یا فوت گردد. از این رو باید کارگر مجروح و همسرانی که شوهر خودشان را به علت جراحت، در حین کار از دست داده‌اند؛ تحت چتر حمایتی تأمین اجتماعی قرار بگیرند.

کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد که در فقدان نان‌آور خانواده، اعضای خانواده که شامل همسر و فرزندان می‌شوند را مورد حمایت قرار بدهند. این حمایت در مورد کودکان باید حداقل شامل این موارد باشد: غذا، آب، پوشاک و هر چیزی که برای آنان مناسب باشد. حمایت از مادران، بعد از تولد فرزند یکی از مواردی می‌باشد که در بیانیه فیلادلفیا بدان تأکید شد و کمیته هم خواستار در نظر گرفتن حق مرخصی برای مادران است. در جامعه برخی از افراد وجود دارند که به علت جسمی و روانی نمی‌توانند مانند افراد سالم کار کنند یا هیچ گونه مشکلی ندارند اما به دلایلی، فرصت‌های شغلی از آنان سلب می‌شود، این افراد هم تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و دولت‌های عضو نباید حق آنان را در این مورد نادیده بگیرند.

کمیته به کشورهای عضو تصریح می‌کند که مقرری که به افراد داده می‌شود باید متناسب باشد و مقرری بگیران بتواند با آن زندگی خود را اداره کنند. حق تأمین اجتماعی یک حق بشری می‌باشد؛ از این رو نباید در اجرای این حق، بر طبق ماده دوم میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبعیض قائل شد. مواردی که کمیته مصداق تبعیض می‌داند عبارتند از: نژاد، رنگ پوست، جنسیت، سن، زبان، عقاید سیاسی و دیگر موارد. یکی دیگر از ویژگی‌های حق‌ها در عالم بشر، گستره آن می‌باشد؛ بنابراین کمیته از کشورهای می‌خواهد که همه افراد، باید تحت

پوشش تأمین اجتماعی قرار بگیرند و هر گونه محدودیتی در بهره‌مندی از مزایا، باید مستدل و مستند باشد.

یکی دیگر از مواردی که کمیته بسیار به آن اهمیت داده است، موضوع حق تأمین اجتماعی برای کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها می‌باشد. این موضوع به حدی با اهمیت است که کمیته از کشورهای عضو خواست در صورت فراهم نبودن امکانات، حداقل باید خدمات بهداشتی برای آنان تهیه نمایند. دولت‌ها در قبال حق‌های موجود در اسناد سه وظیفه محوری دارند: (۱) تعهد به احترام؛ (۲) تعهد به اجرا؛ (۳) تعهد به حمایت. کمیته از کشورها می‌خواهد که همین ترتیب را در مورد حق تأمین اجتماعی در مورد اتباع خود و بیگانه به اجرا درآورد. کمیته از کشورهای عضو می‌خواهد که در برابر نقض حق تأمین اجتماعی اتباع خود در دیگر کشورها واکنش نشان دهد و مانع این کار شود. علاوه بر آن پیشنهاد می‌کند که کشورهای عضو، خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته با همیاری بین‌المللی گام‌های مؤثری در پیشبرد حق تأمین اجتماعی در گیتی بردارند.

کمیته برای شناسایی کشورهایی که حق تأمین اجتماعی را رعایت نمی‌کنند، چند شاخص ارائه داده است: (۱) عدم موفقیت در تدارک اموری که این حق را به طور کامل برای هرد فرد شناسایی کند؛ (۲) نبود قوانینی در حیطه داخلی که حق تأمین اجتماعی را تضمین کند؛ (۳) ناکارآمدی از اصلاح قوانینی که با تأمین اجتماعی ناسازگار است و عدم پوشش برخی از گروه‌های خاص؛ (۴) عدم موفقیت در برداشتن موانعی که موجب می‌شود دولت‌ها نتوانند حق تأمین اجتماعی را بر اساس معیارهای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اجرا درآورند.

کشورهای عضو میثاق، متعهد می‌شوند که نظارت مؤثر برای شناسایی حق تأمین اجتماعی را داشته باشند. از این رو، کمیته از آنان می‌خواهد که مؤسساتی برای نیل به این هدف تأسیس نمایند تا بتوانند مشکلات موجود در اجرائی حق تأمین اجتماعی را شرح دهند.

کمیته بر این موضوع ادغان دارد که حق تأمین اجتماعی نقش کلیدی نسبت به سایر حق‌ها، خصوصاً حق‌های موجود در مواد ۶، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ دارد به عبارت دیگر احقاق این حقوق بستگی دارد چگونه با حق تأمین اجتماعی هماهنگ باشند. به طور مثال در ماده شش، دولت‌های

عضو می‌پذیرند که فرصت‌های کاری برای افراد جامعه محیا کنند که خود این موضوع یکی از استانداردهای حداقلی تأمین اجتماعی می‌باشد. هر چند قبول این حقوق در قالب مواد ذکر شده بدین معنی نیست که آنان می‌توانند جایگزین برنامه مرتبط با تأمین اجتماعی بشوند.^{۱۵}

۷-۱) بررسی حق تأمین اجتماعی در برخی از کشورهای اسلامی از منظر کمیسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برخی از کشورهای اسلامی، گزارشی در مورد نحوه اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به کمیسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه داده‌اند. قبل از بررسی این گزارش‌ها، لازم است خاطر نشان کنم که گزارش‌های ارائه شده از سوی کمیسیون حاوی سه بخش است:

۱. تقدیر از کارهای انجام شده توسط دولت‌ها در راستای اجرای مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

۲. نگرانی از کاستی‌هایی که دولت‌ها در اجرای این حقوق از خود نشان دادند؛

۳. پیشنهادهایی که از سوی کمیته برای بهبود این حقوق، به کشور گزارش دهنده ارائه می‌شود.

عراق

کمیته در ابتدای بررسی گزارش عراق، از این کشور تشکر می‌کند که با وجود شرایط سخت اقتصادی که حاصل از تحریم‌های سازمان ملل می‌باشد، مبادرت به تهیه این گزارش کرده است.^{۱۶} کمیته از اقدام دولت عراق در دادن فرصت‌های مساوی شغلی به زنان و اعطاء حق مرخصی به مادران بعد از زایمان با احتساب دریافت حقوق قدردانی می‌کند.

کمیته نگرانی خود را از این امور اعلام می‌کند: (۱) هرچند که دولت عراق قوانینی در مورد تأمین اجتماعی دارد اما شرایط بد اقتصادی این کشور اجازه نمی‌دهد که این حق در این کشور اجرا شود، چون بعد از تحریم‌های سازمان ملل، درآمد عراق به شدت کاهش یافته است. کمیته علاوه بر این، نگران است که حق تأمین اجتماعی با تبعیض اجرا شود خصوصاً نسبت به شیعیان و اقوام کرد؛ (۲) کمیته از پایین آمدن استانداردهای زندگی در کشور عراق بعد از جنگ با جمهوری اسلامی ایران و کویت به شدت نگران است.

کمیته به کشور عراق پیشنهاد می‌کند که حق تأمین اجتماعی را بدون تبعیض در مورد اتباع خود به اجرا درآورد، علاوه بر آن کمیته خواستار ایجاد نهاد مستقلی است که بتواند اجرای حقوق بشر در این کشور را مورد ارزیابی قرار بدهد.^{۱۷}

سوریه

کمیته از کشور سوریه به خاطر همکاری با سازمان بین‌المللی کار و تلاش در کمتر شدن فقر، مرگ و میر نوزادان، تأمین حق بهداشت (برای بادیه نشینان) و غذا و آگاه سازی در زمینه کمبود آب تشکر و قدرانی می‌کند. کمیته بر این باور است که اقدامات صورت گرفته توسط دولت سوریه در جهت به اجرا در آوردن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به کمبود بودجه با موانعی روبه‌رو شود، علاوه بر آن وجود برخی از رسومها در سوریه اجرایی شدن این حقوق را کند می‌کند. کمیته نگرانی خود را از این امور اعلام می‌کند: (۱) کمیته نگرانی خود را از وجود تبعیض در اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد برخی از قبایل غیر عرب که سالیان زیادی در این کشور زندگی می‌کنند ابراز می‌دارد؛ (۲) کمیته نگرانی خود را از نبود رفتار مناسب در مورد حق تأمین اجتماعی نسبت به زنان و مردان اعلام می‌کند؛ (۳) کمیته از وضعیت افراد پناه‌جو که در کشور سوریه زندگی می‌کند بسیار نگران است؛ چون این کشور هنوز معاهداتی که به رعایت حقوق پناه‌جویان مربوط می‌شود را امضا نکرده است؛ (۴) کمیته از وجود نرخ بالای بیکاری که میانگین آن ۱۰ تا ۲۵ درصد می‌باشد ابراز نگرانی می‌کند.

کمیته به سوریه پیشنهاد می‌کند که با وضع قوانینی به رفع تبعیض علیه زنان در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاتمه دهد، علاوه بر آن خواهان بهبود وضع معیشتی افراد ناتوان و گسترش مراکز خدمات بهداشتی در سراسر این کشور می‌باشد.^{۱۸}

ازبکستان

کمیته از کشور ازبکستان به جهت تلاشش در جهت رفع تبعیض نسبت به زنان تشکر می‌کند. کمیته نگرانی خود را از این امور اعلام می‌کند: (۱) کمیته نگرانی خود را در مورد شرایط اجازه

اقامت به اتباع بیگانه و رعایت حق آنان نسبت به مفاد میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر اعلام می‌دارد؛ ۲) کمیته از نبود حداقل حقوق، مزایای بیکاری و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر (مادران، ناتوانی جسمی) که با آن بتوان حداقل استانداردهای زندگی را تأمین کرد، به شدت نگران است؛ ۳) بیست درصد اتباع کشور ازبکستان در روستاها زندگی می‌کنند از این رو کمیته نگران است که به آنها غذای کافی نرسد؛ ۴) کمیته نگران است که مراقبت‌های بهداشتی که به صورت مجانی ارائه می‌شود به طرف خصوصی‌سازی سوق پیدا کند که این امر به اقشار کم درآمد آسیب می‌رساند.

کمیته به کشور ازبکستان توصیه می‌کند که سازوکارهایی را در قوه قضائیه خود ترتیب بدهد که افراد بتوانند در صورت نقض حقوق بشر به آن شکایت کنند، علاوه بر آن خواستار تصویب اسنادی است که به پناهجویان مربوط می‌شود. کمیته خواستار تعیین حداقل حقوقی است که با آن بتوان حداقل استانداردهای زندگی را تأمین نمود.^{۱۹}

با گذری کوتاه به گزارش‌های کمیته به روشنی فهمیده می‌شود که کشورهای اسلامی هنوز راه درازی دارند تا به معیارهای موجود در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یابند. هر چند که بیشتر کاستی‌های موجود در این کشورها ناشی از کمبود درآمد و نبود نهادهای نظارتی مستقل و کارآمد در زمینه حقوق بشر است تا بتوانند به امور اجرایی دولت‌ها نظارت کافی داشته باشند؛ اما آنچه که تضمین این حقوق را در بلاد اسلامی بیش از پیش تضمین می‌کند، بالا رفتن سطح آگاهی مردم و مطالبه این حقوق از دولت مردان خود است.

۲) حق تأمین اجتماعی در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر

۱-۲) سند حقوق بشر اتحادیه اروپا

این پیمان‌نامه در چهار نوامبر ۱۹۵۰، در رم ایتالیا به امضای دوازده کشور اروپایی رسید و از سال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا گردید. در هیچ یک از بندهای این پیمان‌نامه، موردی به چشم نمی‌خورد که درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صحبت کرده باشد^{۲۰}، بلکه بیشتر به حقوق مدنی و سیاسی پرداخته است. اما این بدان معنا نیست که این نهاد منطقه‌ای به حق تأمین اجتماعی نپرداخته بلکه برای این حق، اقدام به تصویب یک پیمان‌نامه جداگانه نموده است، لذا به بررسی آن می‌پردازیم.

پیمان‌نامه اروپایی تأمین اجتماعی

پیمان‌نامه اروپایی تأمین اجتماعی، حداقل استانداردهای تأمین اجتماعی را - که نه مورد می‌باشد - شامل می‌شود اما برنامه‌ای در مورد حمایتی‌ها درمانی و اجتماعی ندارد و این امر را به کارمندان اداری هم سرایت داده است. به عبارت دیگر تنها به خطرات اجتماعی - که استانداردهای حداقلی می‌باشد - می‌پردازد. این پیمان‌نامه خواستار آن است که همه اعضای اتحادیه اروپایی تحت چتر حمایتی تأمین اجتماعی قرار بگیرند، علاوه بر آن، این حق را برای افرادی که مهاجر بوده یا تبعه کشورهای اروپایی نیستند مورد شناسایی قرار داده، مضاف بر آن می‌خواهد این حمایت‌ها از اعضای خانواده آنان هم صورت بگیرد. رفتار برابر در مورد حق تأمین اجتماعی، یکی دیگر از اصولی می‌باشد که این پیمان‌نامه از اعضای اتحادیه اروپا می‌خواهد و خواستار این است که هیچ‌گونه تبعیضی در این مورد اجرا نشود. این موضوع به قدری با اهمیت است که دیوان دادگستری اروپایی از کشورهای اروپایی خواسته حتی از تبعیض پنهان هم نسبت به مهاجران و بی‌تابعیت‌ها خودداری به عمل آید. این نکته را می‌توان از رأی^{۲۱} که درباره پرونده پینا صادر شده یافت^{۲۱}. اسنادی که در رابطه با حق تأمین اجتماعی هستند به نوعی مقابله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار را مبنای خود قرار می‌دهند اما این پیمان‌نامه به طور صریح اعلام می‌کند که اسناد سازمان کار به هیچ وجه در این پیمان‌نامه تأثیر ندارد، از این رو با دیگر اسناد متمایز می‌باشد^{۲۲}.

۲-۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

منشور سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) در نهمین کنفرانس بین‌المللی کشورهای آمریکایی که در بوگوتا (کلمبیا) در ۱۹۴۸ برگزار شد به تصویب رسید. در همان کنفرانس، کشورهای منطقه آمریکا اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان (از این پس اعلامیه آمریکایی خوانده خواهد شد) را که در انگیزه و هدف مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر ملل متحد می‌باشد، شش ماه پیش از اعلامیه جهانی به تصویب رساندند (لی اچ فیلیپ و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

این پیمان‌نامه در ماده بیست و ششم خود، علاوه بر آنکه از کشورهای آمریکایی می‌خواهد که در جهت ارتقای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گام بردارند، دستورالعمل پیشبرد این حقوق را به پیمان‌نامه‌های دیگر معطوف می‌کند^{۲۳}.

کنوانسیون حقوق بشر آمریکا، در سال ۱۹۹۸ پروتکلی را در مورد رعایت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سان السالوادرو تصویب کرد. این پروتکل از شانزده نوامبر ۱۹۹۹ برای همه کشورهای عضو لازم الاجرا گردید. در ماده نهم پروتکل سانال السالوادرو، در مورد حق تأمین اجتماعی سخن به میان آمده است. در این ماده اعلام می‌کند که هر فردی حق دارد در ایام سالمندی یا داشتن مشکلات جسمی و ذهنی از حق تأمین اجتماعی برخوردار باشد. در بند دوم ماده نهم، این حق را گسترش داده و اعلام می‌کند کسانی که استخدام هستند باید از حداقل خدمات بهداشتی برخوردار باشند - همچنین افرادی که در حین کار صدماتی به آنان وارد می‌شود - باید از مزایای بازنشستگی بهره‌مند شوند. در ماده نهم مادران را پس از زایمان هم مورد پوشش قرار داده و خواهان حمایت از آنان است.^{۲۴}

۳-۲) منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها

سران کشورهای عضو اتحادیه آفریقا در شانزدهمین نشست دوره‌ای خود در لیبی، مورخه بیست جولای ۱۹۷۰، پیمان‌نامه حقوق بشر آفریقائی را به تصویب رساند. هدف از ایجاد این پیمان‌نامه را پاسداشت حقوق انسانی و تلاش در ارتقای آن اعلام کردند.

در این پیمان‌نامه - مانند دیگر پیمان‌نامه‌های منطقه‌ای - به صورت صریح، از حق تأمین اجتماعی سخنی به میان نیامده است؛ اما ماده شانزدهم این پیمان، خواستار آن شده است که کشورهای عضو خدمات بهداشتی را در هنگام بیماری برای اتباع خود تهیه نمایند. در ماده بیست و دوم از کشورهای عضو خواسته شده است که حق بر توسعه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) را به رسمیت بشناسند^{۲۵} که خود این موضوع، غیر مستقیم موجب حق بر تأمین اجتماعی است چرا که یکی از نتایج توسعه یافتگی جامعه توجه به موضوع تأمین اجتماعی و سعی در گسترش آن می‌باشد. اگر بخواهیم از منظر حق تأمین اجتماعی مقایسه‌ای میان اسناد منطقه‌ای - نه اسناد الحاقی - حقوق بشر انجام دهیم، پیمان‌نامه حقوق بشر آفریقائی از وضعیت بهتری نسبت به سایر اسناد برخوردار است؛ چراکه در این پیمان، یک مورد از موارد نه گانه حداقل استانداردهای تأمین اجتماعی به طور صریح ذکر شده است. اتحادیه آفریقا بعد از تصویب منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، اقدام به تصویب برخی از پیمان‌نامه‌های حقوق بشری در موضوع‌های خاص کرده است و

از اعضای خود خواسته حق تأمین اجتماعی برای آنان به رسمیت بشناسد؛ به طور مثال می‌توان به پیمان‌نامه حقوق زنان اشاره کرد که در ماده سیزدهم خواهان تشکیل بیمه‌های اجتماعی برای خانم‌هایی است که در فعالیت‌های غیررسمی مشغول به کار هستند^{۲۶}، مورد دیگر پیمان‌نامه ایجاد قرار داد در جامعه اقتصادی آفریقا می‌باشد که در ماده هفتاد و دوم و در بند دوم از کشورهای آفریقائی درخواست می‌کند که قوانین کار و تأمین اجتماعی به گونه‌ای باشد که آثار فقر به آرامی از جامعه کم شود^{۲۷} در ماده چهاردهم پیمان‌نامه حقوق کودک نیز از کشورهای عضو می‌خواهد که خدمات بهداشتی مقدماتی را برای کودکان فراهم کند^{۲۸}.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده، به درستی فهمیده می‌شود که حق تأمین اجتماعی هنوز راه درازی را در جهت تحقق صد درصدی آن به مثابه حق انسانی دارد. دلیل این امر را باید از کم اقبالی کشورها به ویژه دولت‌های سرمایه‌داری در اهتمام به تعهد و اجرای حق تأمین اجتماعی در عرصه بین‌الملل دانست؛ چرا که خصیصه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هزینه‌زا است و این خود موجب می‌شود که دولت‌ها بیشتر به حقوق مدنی و سیاسی توجه بکنند. البته سازمان بین‌المللی کار با تصویب تعداد زیادی پیمان‌نامه درباره شرایط کار و حقوق کارگران تلاش کرده است تا حق تأمین اجتماعی را به طور مساوی و بدون هیچ تبعیضی برای تمامی کارگران به رسمیت بشناسد؛ اما این گونه فعالیت‌ها در عرصه بین‌الملل هنوز نتوانسته است آن طوری که شایسته است، مثمر ثمر واقع گردد. فقدان ماده مستقل در مورد حق تأمین اجتماعی در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر بر مشکلات روز افرون در اجرای این حق افزوده است. در آخر با در نظر گرفتن اسناد حقوق بشر این خصایص را می‌توان برای حق تأمین اجتماعی بر شمرد: (۱) فراگیر بودن؛ (۲) غیر قابل تفکیک بودن؛ (۳) پاسخ‌گویی؛ (۴) عدم تبعیض؛ (۵) کفایت و تناسب؛ (۶) رعایت حقوق شکلی.

یادداشت‌ها

1. International convention on the protection of the rights of all migrant workers and member of their family, 1998, article 27

2.184 Safety and health Agriculture convention 2001. Article 24: A member which has ratified this convention may denounce it after the expiration ten years from the date on which the convention first comes in to force by an act communicated to the Director –General of international labour office for registration.

3. Equality of treatment (social security) convention 1962. Article 3: Each member for which this convention is in force shall grant within its territory to the nationals of any other member for which the convention is in force equality of treatment under its legislation with its own national, both as regards coverage and as regards the right to benefits. Article 4: Equality of treatment as regards the grants of benefits shall be accorded without any condition of residence. Article 6: In addition to the provision of article 4, each member which has accepted of this convention in respect of family benefit shall guarantee the grant of family allowances both to its own nationals and to the nationals of any other member which has accepted the obligation of this convention. Article 10: 1. ... This convention applies to refugees and stateless people without any condition of reciprocity. 2. This convention does not apply to special schemes for civil servants, special schemes for war victims...

4. Employment promotion and protection against unemployment convention 1988. Article 2: Each member shall take appropriate steps to co-ordinate its system of protection against unemployment and its employment policy. Article 5 part (f): adapt statutory social security schemes to the occupational circumstances of part time workers. Article 6: Each member shall ensure equality of treatment for all people protected without discrimination on the basis of race, colour, religion...

5. Migration for employment convention 1949. Article 6 part b

6. Domestic workers convention 2011. Article 14: Each member shall take appropriate measure in accordance with national laws and regulation with due regard for the specific characteristics of domestic work, to ensure that domestic workers enjoy conditions that are not less favorable than those applicable to worker generally in respect of social security protection, including with respect to maternity. Home work convention 1996: Article 21, Safety and health Agriculture convention 2001: Article 4,

7. Recommendation concerning HIV and AIDS and the World of work (2010). Article 18: Member should ensure that workers living with HIV and their dependents benefit from full access to health care, whether this is provided under public health, social security systems or private insurance or other schemes. Member should also ensure the education and awareness rising of workers to facilitate their access to health care.

8. International labour conference 100 session, international labour office Geneva, social justice for a fair globalization, page 12
9. Hand book of procedures relating to international labour convention and recommendation, international office labour Geneva, 2006, pages 20-24
10. world social security report 2010-2011, international labour office Geneva. Pages 13-55
11. www.ilo.org/global/standards
12. Weekly rest (industry) convention, 1921, equality of treatment (Accident compensation) convention 1925, Forced labour convention, 1930, Protection of wages convention 1949, Equal remuneration convention 1951, Abolition of penal sanctions (indigenous workers) convention 1955, Abolition of forced labour convention 1957, Weekly rest (commerce and offices) convention 1957, Seafarers's identity documents convention 1958, Employment policy convention 1964, Human resources development 1975, Worst forms of child labour convention 1999.
13. Rules of game (a brief introduction to international, standard), international office labour, Geneva, 2009, page 35
14. Fundamental rights at work and international labour standard, international office labour, Geneva, 2003, page 61
15. General comment no. 19, Economic and social council, E/C.12/GC.019, 2007, pages 4-19, Report on the forty-second and forty-third session, Economic and social council, E/c.12/2009/3, 2010, page 21.
۱۶. این گزارش در زمان دیکتاتور مخلوع عراق، صدام حسین تهیه شده است.
17. Report on the sixteenth and seventeenth sessions, committee on economic, social and culture, E/c.12/1997/10, pages 50-56
18. Report on the twenty-fifth, twenty-sixth and twenty seventh, committee on economic, social and culture/C.12/2001/17, pages 67-73.
19. Report on thirty-fourth and thirty fifth sessions, committee on economic, social and culture/C.12/2005/5, pages 60-68.
20. Convention for the protection of human rights and fundamental freedoms, 1953.
21. European meeting social protection of migrant labour and globalization, Baku, 7-9 September 2005, Issa, page 6.
22. European convention of social security, article 25.
23. American convention on human rights, article 26.
24. Protocol of San Salvador, O.A.S. treaty series, N.69, 1998, article 9.
25. African (BANJUL) charter on human and people's rights, CAB/LEG/67/3rev, 1982, article 22.
26. Protocol to the African charter on human and people's rights on the rights

- of women in Africa, article 13, part f.
 27. Treaty establishing the African economic community, article 72, part b.
 28. African charter on the rights and welfare of child, C.A.B/LEG/24.9/1990, article 14.

منابع

- ایبه، ریدل، تائمین اجتماعی به مثابه حق انسانی، ترجمه بهرام مستقیمی، قم، آیین احمد، ۱۳۸۹.
 آراسته خو، محمد، تائمین اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.
 پناهی، بهرام، کارکردهای تائمین اجتماعی در ایران، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تائمین اجتماعی، ۱۳۸۵.
 طالب، مهدی، تائمین اجتماعی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
 عراقی، عزت الله، درآمدی بر حقوق تائمین اجتماعی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تائمین اجتماعی، ۱۳۸۶.
 قاری، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد دوم، تهران، مؤسسه حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
 لی اچ فیلیپ و دیگران، نهادها و سازکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، ترجمه سید قاسم زمانی و دیگران، تهران، مؤسسه حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶.
 نوروز، ابوالقاسم، تائمین اجتماعی، راهنمای آموزش کارگران، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تائمین اجتماعی، ۱۳۷۳.
 هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
 زاهدی، محمد جواد، «ظهور و افول دولت رفاه»، فصل نامه تائمین اجتماعی، شماره ۶، ۱۳۷۹.
 چریگو، یوسف، «حق رفاه و تائمین اجتماعی و آثار آن در روابط بین‌الملل»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۸۶.

Hand book of procedure relating to international labor convention and recommendation, international office Geneva 2006.

Funk Michelle, Prew Natalie, **who resource on mental health, human rights legislation**, world health organization, Geneva, 2005.

Rules of game(a brief introduction to international, standards), international office labour, Geneva, 2009.

Fundamental rights at work and international labor standard, international office labour, Geneva, 2003 .

Gunning Jennifer and other, **Ethics, law and society**, Astgate publishing

company,2005.

Brehrens Paul, **Public law and human right statutes**,Routledge,2009 .

Brownlie Ian, **Principles of public international law**,Oxford,London,1998.

اسناد و گزارش‌ها

International labor conference 100 the session 20011, social justice for a fair globalization, international labor office Geneva 2011.

World social security report 2010-2011, international labor office Geneva.

European meeting social protection of migrant labor and globalization 7-9 September, 2005, issa.

Report on the sixteenth and seventeenth, committee on economic, social and culture/C.12/1997/1.

Report on the twenty-fifth, twenty-sixth, twenty-seventh, committee on economic, social and culture/C.12/2001/17.

Report on the thirty-fourth andthirty-fifth, committee on economic, social and culture E/C.12/2005.

Report on the forty-second andforty-third, committee on economic, social and culture/C.12/2010.

Genralcommentno.19,economicandsocial council,E/C.12/GCO.19/2007.

Extending social security to all, international labor office Genva,2010.

Universal declaration of human rights 1948.

International convent economic, social and culture rights 1966.

The Cairo declaration on human rights in Islam 1990.

Safety and health agriculture convention 2001.

Equality of treatment (social security) convention 1962.

Employment promotion and protection unemployment convention 1998.

Migration for employment convention 1949.

Domestic workers convention 2011.

Home work convention 1996.

Recommendation concerning HIV and AIDS and the world of work 2010.

Weekly rest (industry) convention 1921.

Equality of treatment (Accident compensation) convention 1925.

Forced labour convention 1930.

Protection of wages convention 1949.

Equal remuneration convention 1951.

Abolition of penal sanction (indigenous worker) 1955.

Abolition of forced labor 1957.

Weekly rest (commerce and office) 1957.

Seafarers' identify document 1958.

Employment policy 1964.

Human resource development 1957.

Worst forms of child labour 1999.
Institution-building of the United Nations Human Rights Council 2006.
International convention on the protection of the rights of all migrant workers and
members of their families 1998.
Convention for the protection of human rights and fundamental freedoms 1953.
American Declaration of the Rights and Duties of Man 1948.
Protocol of San Salvador, O.A.S. treaty series N.96/1998.
African (Banjul) Charter on Human and Peoples' Rights 1982.
Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in
Africa.
Treaty establishing the African Economic Community.
African Charter on the Rights and Welfare of the Child 1999.
www.ilo.org/global/standards.